یادداشت | سید حسین فخرزارع*

مسئله حکمرانی فرهنگ در لایحه برنامه هفتم توسعه

لایحه برنامه هفتم توسعه کشـور که اولین برنامه در دومین گام انقلاب اسـلامی اسـت، در هفت بخش کلان و ۲۶ فصل که سیاسـت‌های کلی مربوط به این بخش‌ها را مدنظر دارد، تنظیم شده‌است. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش‌های این لایحه، بخش فرهنگی-اجتماعی اسـت کـه در چندین بند اساسی مانند فرهنگ عمومی و سـبک‌زندگی، جمعیت و خانواده، سیاست داخلی و ارتقای سلامت اجتماعی، تأمین اجتماعـی و سیاسـت‌های حمایتی و صنعت‌گردشـگری و صنایع‌دستی تدوین شده‌است.

به‌رغم فرصت مناسبی که پس از دوسال برای ارائه برنامه وجود داشته و کشور در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ دارای برنامه‌ای در این قالب نبوده، به نظر می‌رسـد این لایحه حداقل در بخش فرهنگی و اجتماعی نتوانسته اهداف سیاست‌های کلی ابلاغی را پوشش دهد و با خلأهایی که به همراه دارد، قابلیت تحقق را در زمینه‌های مختلفی از خود سلب کرده‌است. ارائه و بررسی این برنامه در مجلس شورای اسـلامی نیز در وضعیتی دنبال می‌شود که کشور ما در موقعیت فرهنگی و اجتماعی حساس و بی‌سـابقه‌ای قرار دارد. این وضعیت که در چند سال اخیر به وجود آمده اقتضای آن را دارد که در بخش سیاست‌گذاری‌ها، حرکت آینـده جامعـه با ظرافـت بیشـتر، هدف‌گذاری‌های واقع‌نگرانه و ناظر به شرایط دشواری که میزان پیچیدگی آن هر روز بیشتر می‌شود، انتخاب گردد.

واضح است که برای رشد، پیشرفت و شکوفایی هر جامعه‌ای، بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی، زمینه‌های نیل به یک اقتصاد پیشرفته و کارآمد را تأمین می‌کند؛ همچنان که اقتصاد نیز بستر مناسب تحقق ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی را می‌گستراند. از این‌رو همبستگی و ارتباط متقابل فرهنگ و اقتصاد امری بلامنازع است. با چنین فرضی می‌توان گفت در برنامه هفتم توسـعه در این دو بخش(اقتصـادی و فرهنگی-اجتماعی) اهدافی دنبال شده که گاه بسیار ایده‌آلی، بلندپروازانه و غیرقابل تحقق و گاه بسیار در سطح متنازل، سست و کم‌رمق است. روشـن نیسـت با رکود چندسـاله مداوم و برنامه‌های غیرمحقق دوره‌های پیشین، در این دوره اولاً چگونه کشور از دام آن رکودهای پیشین رها می‌شود و ثانیاً چطور یک فرایند احتمالی را دنبال می‌کند و به شرایطی ایده‌آل می‌رسد؟

به فرض کـه در بخش اقتصـاد هم دورنمای ترسیم‌شـده را واقع‌بینانه لحاظ کنیم، اما معیارها، مبانی و اصول اساسی که این بخش بر مبنای آن حرکت می‌کند و دقیقاً مربوط به حوزه فرهنگ اسـت، مبهم یا حداقل مجمل اسـت. بدیهی است تا مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی امری به‌درستی مشخص نگردد، طی کردن هر مسیر جز به بیراهه یا کج‌راهه نخواهد بود.

تأکید مقام معظم رهبری بر اهمیت فرهنگ و تعبیر صحیح او از این مقوله که به مثابه روح در کالبد جامعه است، در این لایحه به سطح نازل فرهنگ‌عمومی، زیست‌بوم صنایع فرهنگی، فرهنگ زیست‌محیطی فروکاسته شده و غالباً به شکل کمی، حسابدارانه و فارغ از نقاط کانونی که انقلاب اسلامی برای تحقق آن شکل گرفت، در نظر گرفته شده‌است. جای خالی عناصر مهمی که در گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان ایده‌های بلند و آرمانی ملت در نظر بود در طرح کاملاً مشهود است. عناصری چون فطرت، معنویت، ایمان، اعتماد اجتماعی، امر انتخاب‌گری و به‌طور عام سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی که نقش شالوده‌های بنیانی را در جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند در طرح دیده نشده و تا مفصل‌بندی دقیقی از مفاهیم و عناصر گفتمانی انقلاب که نقطه کانونی آن را توحید رقم می‌زند، صورت نگیرد، چشمداشـت برنامه‌های دیگر اقتصادی، سیاسی، حقوقی، آموزش و پرورش و غیره انتظاری بیهوده است.

با این حال، انتظار مـی‌رود در فرصت باقیمانـده‌ای که برای بررسی لایحه در مجلس شورای اسـلامی وجود دارد، دولت انقلابی از اندیشمندان، متخصصان و زبدگان هر بخش و با هر نگرش سازنده، استمداد نماید تا با مدنظر قرار دادن واقعیت‌ها و با ابتنا بر مبانی اندیشه‌ای اسلامی، لایحه موجود را از ابهامات، چندپارگی، تک‌سـاحتی‌نگری خارج کـرده و ضمن توجه به عناصر فرهنگی و اجتماعی قومی و سیاست‌های جامع‌نگرانه و غیرمحافظه‌کارانه، در اغلب برنامه‌ها قشـر محروم جامعه را از مشـارکت‌های اجتماعی دور ندارد. باری، تصمیم بر تغییر یک برنامه کلان و فاقد اسـتحکام مبنایی، نیازمند یک اراده جدی و متهورانه به‌ویژه در سـاحت فرهنگی اسـت که رهبر معظم انقلاب در دوسال پی‌درپی با موضوع «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور» آن را مورد تأکید قرار داده و متأسفانه این امر در لایحه ارائه شده، صرفاً به تعدادی نهادها و تشکیلات و دستگاه‌های فرهنگی خلاصه شده‌است. سخن پایانی اینکه دولت به یقین می‌داند که نداشتن برنامه، به مراتب از داشتن برنامه بد بهتر اسـت، بنابراین عزمی جـدی و اراده‌ای بنیانی برای تغییـر، اصلاح و ترمیم و تهذیب برنامـه مزبور ضرورتی مسلم است.

*عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
www.javanonline.ir

| روزنامـه جـوان | شـماره ۶۸۳۳ | چهارشـنبه اول شـهریور ۱۴۰۲ | ۶ صفـر ۱۴۴۵ | اذان ظهـر: ۱۲:۰۷ |
غروب آفتاب:۱۸:۴۵|اذان‌مغرب:۱۹:۰۳|نیمه‌شب‌شرعی:۲۳:۲۲|اذان‌صبح‌فردا: ۰۴:۰۰|طلوع آفتاب‌فردا: ۰۵:۳۰|

حکمت

امام سجاد علیه‌السلام:

از دسـت دادن دوسـتان نـوعی «غریبی» اسـت.

کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۷۵ و ۱۰۲

مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت ارشاد در نشست خبری اعلام کرد

فقدان نقد هنری خلأ جدی هنرهای تجسمی

■ مصطفی شاه‌کرمی

هنرهای تجسـمی به عنوان یکی از عرصه‌های مهم فرهنـگ و هنـر از کاسـتی و کمبودهای متنوعی رنج می‌برد که نداشـتن منتقد و نبود گعده‌هایی برای نقد آثار هنری از جمله مهم‌ترین آنهاست؛ موضوعی که مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت ارشاد هم ضمن تأیید، نقد هنری را عامل ارتقا و رشـددهی هنرمندان و آثار آنها دانست.

محمد خراسـانی‌زاده، مدیـر کل دفتر هنرهای تجسمی وزارت ارشاد و سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران روز گذشته در نشست خبری که در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد، گفت: اداره کل هنرهای تجسـمی به عنوان بالاترین عرصه جمهوری اسلامی ایران در هنرهای تجسمی شاید شاکله‌ای دارد که اندکی با آن چیزی که باید باشد، فاصله دارد. این مجموعه هنرمندان بیشـتری از مجموع هنرمندان سـایر عرصه‌های هنری دارد و در ۱۰ رشـته‌ای که متولی آن هسـتیم، تعداد هنرمندان بسـیاری را در بر می‌گیرد. این جامعه بسـیار پرمخاطب و نجیب و مظلوم است و چون مثل بقیه هنرها چهره‌هایی به عنوان سـلبریتی ندارد، مظلوم‌تر از بقیه حوزه‌ها واقع شده‌اسـت. شـاید همین موضوع هم باعث‌شـده که عنوان فعالیت‌های هنرهای تجسمی برای همگان گنگ باشـد، بنابراین مهم‌ترین کارکـردی که مدنظر ماست، شأن هنرهای تجسمی است.

■ **خلأ نقد هنری**

خراسانی‌زاده در ادامه با اشاره به اینکه یکی از نکات جدی و خلأهای ما، فقدان یا مسئله نبود نقد هنری است، افزود: توصیف و تحلیل آثار هنری حتی از سوی هنرمندان نیز صورت نمی‌گیرد، چون ممکن است اثر او ماحصل دریافت درونی او باشد، به همین دلیل چنین کاری وظیفه منتقد هنری است که باید یک اثر را توصیف یا تحلیل کند. سبک‌شناسی، ارتقا دادن و رشـددهی آثار هنری و هنرمندان با جریان نقد هنری شکل می‌گیرد. نقد البته به معنی انتقاد نیست و به معنی تحلیل و مقایسه کردن و رشد دادن اسـت. این جریان متأسفانه در کشور ما کمرنگ اسـت. به دنبال این هستیم که موزه هنرهای معاصر بتواند به عنوان پیشـران در این عرصه حضور داشته‌باشد. بر همین اساس می‌بینیم که نشست‌های نقد و تحلیل در کنار نمایشگاه در حال برگزاری است و از ظرفیت اساتید دانشگاه که در این زمینه پژوهش داشتند، میزبانی کردیم؛ این در واقع نقطه آغازی بر احیای نقد هنری در موزه هنرهای معاصر تهران است.

مدیر کل دفتر هنرهای تجسمی وزارت ارشاد درباره برخی فعالیت‌های اداره کل تجسمی اظهار داشت: اخیراً به همت مجلس شورای اسلامی اتفاق خوبی رقم خورد و چالش قانونی در عرصه حراج‌ها تنظیم شد. همچنین از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تکلیف قانونی در حوزه تنظیم سند ملی هنرهای تجسمی را داریم که قرار شد ملزومات آن را فراهم کنیم که از ادوار پیشین آغاز شـده بود و هنوز به نتیجه نرسیده‌است. نکته دیگر، شورای مجسمه و یادمان شهری است که وظیفه سیاستگذاری و نظارت اجرایی آن را عهده‌دار هسـتیم. این شورا کارش آغاز شده و مجموعه وزارت راه و شهرسازی، بنیاد شهید، فرهنگستان هنر و دیگر دستگاه‌های همکار را دعوت کردیم و به زودی شـاهد احیای این شورا خواهیم بود. مسـئله دیگر ما، پرداختن به نیازمندی‌هـای عرصه اقتصاد هنر اسـت که درصددیم بازارهای موقت تجسمی را با عناوینی چون نمایشگاه‌های هنری و آرت‌فر برگزار کنیم و سعی کردیم با نام حراج‌های هنری که ممکن است شفافیت لازم را نداشته باشد، جلو نرویم.

امسـال برای اولین‌بار دبیر جشنواره هنرهای تجسمی جوانان کـه با شـعار «ایران دوست‌داشتنی» در سنندج برگزار می‌شـود یک بانوی هنرمند و استاد دانشگاه است

وی همچنین بیـان کرد: یکی دیگـر از کارهای ما در حیطه نگارخانه‌ها اسـت کـه در واقع باید هنرمندان را معرفی و در رویدادهای ملی و فراملی آثار هنرمندان را عرضه کننـد. در همین زمینه، گفت‌وگوهایی با تشـکل‌های مربوطه همچون انجمن نگارخانه‌داران تهران آغاز کردیم و به زودی به نتیجه خواهد رسید، بنابراین تلاش می‌کنیم چالش‌هایی را که وجود دارد مرتفع کنیم و با ایجاد زیرساخت قانونی به کمک آنها بیاییم.

■ **احیای شورای مجسمه و یادمان**

او درباره احیای شـورای «مجسـمه و یادمان» نیز گفت: شورای مجسـمه و یادمان، هم وظیفه سیاسـت‌گذاری دارد و هم دبیرخانه آن تا حدی وظیفه اجرایی دارد که باید نظارت دقیق‌تری بر عرضه مجسـمه‌ها و سیاسـت‌گذاری کلی برای نصب آنها داشته باشـیم. کار این شورا آغاز شده و از مجموعه‌های مختلف مثل راه و شهرسـازی، بنیاد شهید، فرهنگستان هنر، شهرداری و سایر دستگاه‌ها که در سند مصوب سال ۱۳۷۸ قید شده، باید دعوت می‌کردیم. بخش دیگری که از جایگاه ستادی بر عهده ماست، بحث علائم و نشانه‌هاست. بحث علائم و نشانه‌ها می‌تواند مغفول مانده باشد و شاهد آثار بی‌توجهی به آن هم هستیم.

سرپرسـت موزه هنرهای معاصر تهـران در ادامه خاطرنشـان کرد: مسـئله بعـدی مـا پرداختن به نیازمندی‌هـای عرصه اقتصاد هنر اسـت که از دغدغه‌های ماست. موضوع بازارهای موقت عرضه آثار تجسمی به واسطه اینکه کمی حواشی رسانه‌ای پیدا می‌کند، شاید بیشتر مورد توجه بوده‌است، اما آرت فرها و اکسپوها به دلیل خلأ مقرره‌گذاری شفافیت لازم را برای حضور علاقه‌مندان نداشته‌است.

خراسـانی‌زاده در ادامه به جایـگاه موزه هنرهای معاصر تهران در منطقه اشاره کرد و افزود: به صورت بلامنازع موزه هنرهای معاصـر تهران مهم‌ترین موزه هنری غرب آسـیا اسـت و ما مهم‌ترین آثار گنجینه غرب را در خارج از غرب در موزه داریم و وجه‌تسمیه این عنوان و جایگاه به این دلیل است که باید هنرهای معاصر کشور را خط‌دهی و جهت‌دهی کند و اتفاقـات بعدی را رقم بزنـد. موزه هنرهای معاصر تهران باید خط‌شکن باشـد و این تمایز را باید بین موزه و نگارخانه‌ها قائل باشیم و وقتی قرار است نمایشگاهی برگزار شود باید تفاوت بین فضای نمایشگاهی نگارخانه‌ها با موزه را متوجه باشیم.

■ **چه کسی دبیر جشنواره تجسمی فجر می‌شود؟**

وی در رابطه با رویدادهـای پیش روی این حوزه اظهار کرد: شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر را پیـش‌رو داریم که حضـور هنرمندان در بخش‌های مختلف برای ما محترم است. همچنین هفتمین دوسالانه خوشنویسی نیز پاییز امسال برقرار است که باز هم میزبانی قزوین را شاهدیم. البته امسال سعی کردیم مشارکت برخی فضاهای پایتخت را داشته‌باشـیم و بتوانیم در تهران نیز بخشی از فرایندها یا نمایش آثار را داشته باشیم.

مدیر کل دفتر هنرهای تجسـمی وزارت ارشاد درباره جشنواره هنرهای تجسمی جوانان که در شهر سنندج برگزار می‌شود، عنوان کرد: سی‌امین جشـنواره هنرهای تجسـمی جوانان رویدادی تأثیرگذار در شکوفایی و بروز استعدادهای جوانان نیز از چهارشنبه برگزار می‌شـود و این جشنواره در استانی برگزار می‌شود که مهد فرهنگ و هنر است و دارای ارزش‌های هنری و فرهنگی است. برای اولین‌بار در ۲۹ دوره جشنواره جوانان، دبیری آن بر عهده خانم مینا صدری است که یک بانوی هنرمند و استاد دانشگاه هستند و شعار این رویداد هم «ایران دوست‌داشتنی» است.

خراسانی‌زاده در پایان درباره انتخاب و معرفی دبیر جشنواره هنرهای تجسـمی فجر خاطر نشان کرد: بر خلاف سایر جشنواره‌های فجر، جشنواره هنرهای تجسمی فجر یک جشـنواره نیسـت و متشکل از ۱۰ جشنواره است و ما تنها جشنواره فجری هستیم که دبیر کل داریم و ۱۰ دبیر مجزا کارها را انجام می‌دهند. تصمیم درباره دبیر جشنواره فجر گرفته‌شده و اعضای شورای سیاسـت‌گذاری هم مشخص شـده‌اند، اما فرآیند مرسـومی وجود دارد که طبق آن، ابتدا باید شورای سیاست‌گذاری شـکل بگیرد و بعد دبیر کل مشخص شود به همین دلیل اجازه دهید بعداً نام دبیر کل جشنواره فجر را اعلام کنیم.

نما | حسین کشتکار

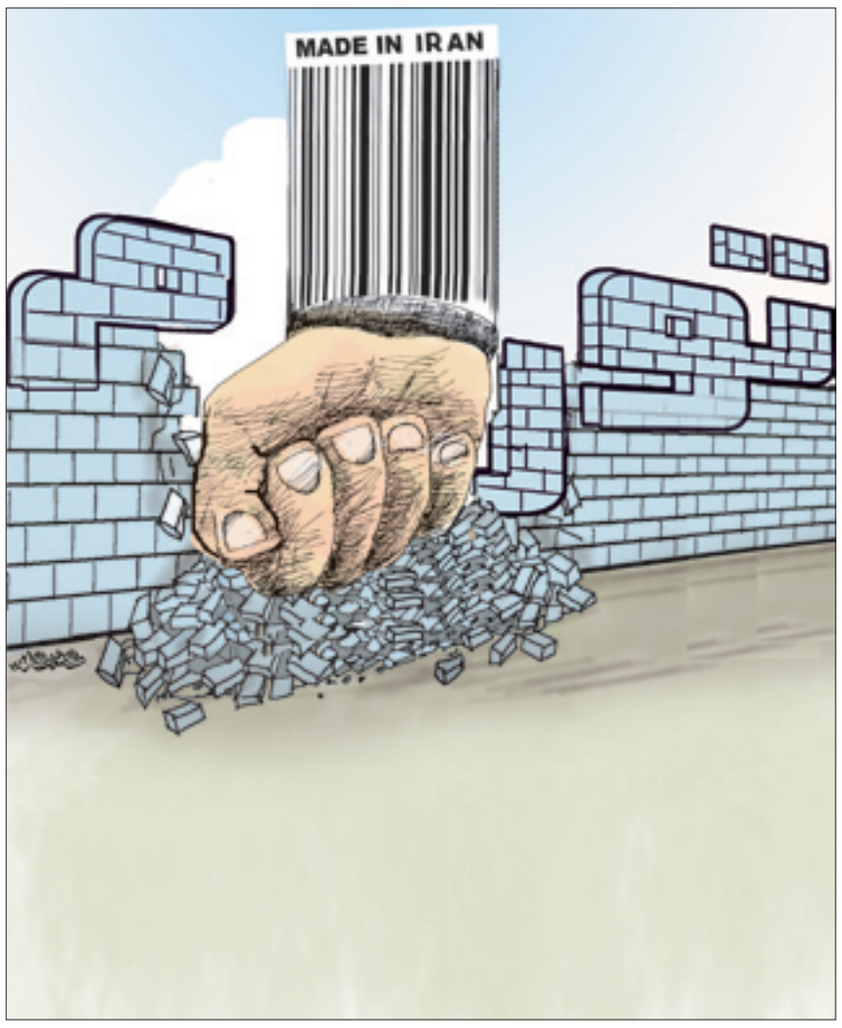

نقد فیلم

ضدزن، ضدخانواده و ضدکرامت انسانی

در شرایطی که سال پیش عده‌ای در سینمای ایران شعار زن زندگی آزادی می‌دادند تولید اثری که نگاهی کاملاً غیرانسانی به زن دارد از میان همین گروه، تفاوت شعار با عملکردها را به شکلی دقیق نمایان می‌سازد

■ افشین علیار

«ارادتمند؛ نازنین بهاره تینا» ساخته عبدالرضا کاهانی که از سـال ۹۵ در توقیف بود و حالا در فضای مجازی منتشر شـده یک فاجعه تمام‌عیار وصف نشدنی است، فیلمی که سراسـر بی‌هنری کارگردانش را فریاد می‌زند و نمی‌تواند ذره‌ای از خلاقیت فیلم‌های گذشته کارگردانش را داشته باشـد. ارادتمند؛ نازنین تینا بهاره فقـط می‌تواند حاصل ذهنی آشفته یا مریض باشـد. در چنین شرایطی می‌شود فقط با چنین مؤلفه‌هایی پست‌تر از فیلم فارسی سراغ اثر رفت. کاهانی که دوره‌ای آبزوردسازی می‌دانست و پرداخت آن را با هوشـمندی در چند فیلمش دیده‌ایم، حالا در این فیلم گویا هیچ دانشی از هنر و سینما و مهم‌تر از آن جامعه خودش ندارد، چراکه این شبه‌فیلم نشـان‌دهنده نابلدی کارگردانی اسـت که با ناشـی‌گری بی‌انتهایش سـعی بر سیاه‌نمایی جامعه دارد. گویی قرار است از جامعه با چنین فیلمی انتقام بگیرد، اما از آنجا که استعداد (بخوانید شاخ!) کم آورده، نتوانسته به نتیجه برسد، چراکه اساساً تماشاگر با چنین آثار ضعیفـی ارتباط برقرار نمی‌کند تا خواسـته باشـد از آن تأثیر بگیرد. کاهانی پـس از فیلم «بی‌خود و بی‌جهت» دیگر نتوانست اثری بسـازد که مخاطب آن را باور کند و همراهش شـود. هرچند فیلم‌های دیگر او نیز بیشتر متظاهرانه ساخته شـده‌اند و صداقت در آنها کمتر به چشـم می‌خورد. خانـم یایا و اسـتراحت مطلق آثاری از کاهانـی بودند که نشـانی از پسـرفت او در کارگردانی محسوب می‌شـدند، اما ارادتمند؛ نه آبزورد، نه گروتسک، نه هیچ چیز دیگر و نه قطعاً فیلم است. روایتی از سه دختر معلوم‌الحال که ولگرد خیابان‌ها هستند، غیرسینمایی‌ترین شکل ممکن است. کاهانی در این فیلم ضدزن و ضدخانواده است. ابتذال روایی فیلمساز از دختر و خانواده قطعاً حاصل یک مازوخیسـم درونی است. فیلمسـاز در خیال سیاه و مفلوکش، جامعه‌ای به این شـکل آلوده را ترسیم کرده و روایت او از خانواده، یعنی ابتذال مطلق. زمانی که فیلمساز عقده درونی از یک جامعه یا زنان یا خانواده دارد، نگرشش می‌تواند فقط برای خودش ارجحیت داشته باشد و کاهانی تصور کرده با پلان-سـکانس گرفتن و با دیالوگ‌هایی که اساساً کسی متوجه آنها نمی‌شود، می‌تواند اثری اجتماعی بسازد و بگوید این جامعه ایرانی است!

نازنین، تینا و بهاره، نماینده کدام طیـف از دختران ایرانی است؟ فیلمسـاز، خانواده را پدر نازنین می‌بیند و تصورش از شوهر، شوهر تیناسـت. تمامی این مسائل گل‌درشت در دیگر فیلم‌های سیاه‌نمای ایرانی به شکلی سینمایی‌تر دیده شده است، اما زمانی که فیلمساز به این اندازه گستاخ و فارغ از علـت و معلول‌های روایی با کج‌فهمی‌ها و عقده‌گشـایی می‌خواهد جامعه ایرانی را زیر سؤال ببرد، مخاطب هوشمند با درک بسیار خود می‌فهمد که چنین شبه‌فیلمی، نه ذهن دارد و نه می‌تواند اثری آنارشیست‌گونه باشد، بلکه اگزوتیک است و فرسنگ‌ها با فرهنگ ایرانی فاصله دارد. بنابراین هر آنچه در این فیلم رخ می‌دهد حاصل دنیای کثیفی از ذهن نویسنده و کارگردان اثر است که سه دختر را در شمایلی از جاهلان کلاه شاپویی دهه ۴۰ نشان می‌دهد. سه دختری که زندگی را شرکت در میهمانی‌ها و تیغ زدن مردها می‌بینند، اراجیف می‌گویند و می‌خندند و با هر موقعیت احمقانه‌ای سعی بر دیوانگی دارند. مست هستند و لحن حرف زدنشان حال به‌هم‌زن اسـت. این همه غلوپردازی در ۸۰ دقیقه که هیچ چیزی را دربر نمی‌گیرد، شـده یک فیلم بی‌منطق که اساساً حتی یک پلان آن هم نمی‌تواند مخاطب را راضی نگه دارد. بدشـکل بودن فیلم باعث فاجعه‌ای دیگر در ساختار مبتدیانه فیلم شـده که در بازی‌ها هم تأثیر منفی گذاشته است. بازی‌های شـلخته و الکنی که اگر جای آنها نابازیگر هم بود اتفاقی رخ نمی‌داد. این فیلم را با هر مترومعیاری که بسنجیم یک فاجعه تمام‌عیار است و ای کاش هیچ وقت آن را نمی‌دیدیم، چراکه معتقدم دیدن این فیلم می‌تواند باعث اتلاف وقت و ضعف اعصاب شود.

مدیر کل اداره نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی عنوان کرد

ممنوعیت استفاده از بازیگران فراری و کشف‌حجاب کرده

■ نوید پارسا

مدیر کل اداره نظارت بر نمایش فیلم سازمان سینمایی می‌گوید: چنانچه استفاده از بازیگران مربوط به قبل از تخلف یا قانون‌شکنی آنها باشد، قانون عطف به ما سبق نخواهد شد.

به گفته روح‌الله سهرابی، سازمان سینمایی پس از بررسی وضعیت آثاری که طی یک سال اخیر یا قبل‌تر تولید شده یا در نوبت اکران قرار دارند، اما به دلیل حضور یک یا چند تن از عوامل قانون‌شکن یا کشف حجاب کرده امکان نمایش عمومی پیدا نکرده‌اند با ملحوظ داشتن جوانب امر بنا دارد آثار یادشده را به مرور روی پرده بفرستد تا سرمایه‌گذاران فیلم‌ها، تهیه‌کنندگان و دیگر عواملی که به نحوی در تولید این آثار نقشی داشته‌اند، به خاطر رفتار قانون‌شکنانه تعداد معدودی از عوامل و بازیگران دچار خسارت و زیان نشوند.

وی ادامه داد: همانگونه که پیش‌تر هم در گفت‌وگوهای مراجع مختلف و مقامات ارشد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکیدشده، درباره آثار تولید شده قانون عطف به ماسبق نخواهد شـد و در جهت صیانت از اعتماد و سـرمایه همه فعالان و سـرمایه‌گذاران این عرصه چنانچه شرایط اکران این فیلم‌ها مهیا شود، همانند دیگر آثار سینمایی به نمایش عمومی خواهند رسید.

مدیـر کل اداره نظـارت بـر نمایش فیلم سازمان سـینمایی با بیان این نکته که سینمای ایران یکی از استثنایی‌ترین دوره‌های خود را از لحاظ امیدبخشی و رونق اقتصادی سپری می‌کند، افـزود: حدود ۱۰ عنـوان فیلم مشکلی مشـابه هم دارند که بازیگران آنها پس از نقش‌آفرینی در فیلم‌ها اقدام به کشـف حجاب یا فرار از کشـور کرده‌اند و سـرمایه‌گذاران و تهیه‌کنندگان را با انبوهی از مشکلات و موانع مختلف تنها گذاشته‌اند. وی با اشـاره به این نکته که روزی نیست که تهیه‌کنندگان و کارگردانان این فیلم‌ها به صـورت حضوری یا تلفنی پیگیر حل و فصل مشکلات پیش آمده برای فیلم‌شان نباشـند، اضافه کرد: تعداد انگشت‌شماری از بازیگران و عواملی که بدون توجه به ملاحظات و قوانین کشور رفتار کرده‌اند و سرمایه و زحمات عده زیادی را تحت‌الشعاع رفتار هنجارشکنانه خود قرار داده و به خطر انداخته‌اند باید پاسـخگوی رفتار خود باشـند و اگر حقیقتاً معتقد به عدالت و انصاف و مقید به اخلاق و اصول انسانی یا حتی اصول حرفه‌ای هستند باید با بازگرداندن دستمزد خود لااقل بخشی از ضرر و زیان صاحبان آثار را جبران کنند.

سـهرابی اضافه کرد: البته این افراد از این پس اجازه حضور در هیچ اثری را نخواهند داشت و هرگونه استفاده از آنها در آثاری که بعد از فرار یا کشف حجاب تولید شده غیرقانونی بوده و مستلزم اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیصلاح است، بنابراین تهیه‌کننده، کارگردان و سـرمایه‌گذاری که از این افراد استفاده کنند باید منتظر تبعات و خسارات آن نیز باشند. وی در پایان خاطر نشان کرد: با توجه به حساسیت‌های موجود و شرایط خاص حاکم بر فضای سـینما به‌رغم حمایت تمام‌قد سازمان سینمایی از آثار آماده اکران، تبلیغات این فیلم‌ها از طریق اسـتفاده از چهره و نام افرادی که قوانین دایر کشور را رعایت نکرده‌باشند دارای محدودیت خواهد بود و صاحبان آثار ملزم به رعایت این مسئله هستند.

خبر

فیلم کوتاه «مثل مصطفی» تولید شد

بـه مناسـبت رونمایی از تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب «سم تو مصطفاست» فیلم کوتاه «مثل مصطفی» بـر اسـاس این کتـاب در انجمن سـینمای انقلاب و دفاع مقدس بنیاد فرهنگی روایـت فتح ساخته شـد.

به گزارش «جـوان»، فیلم کوتاه «مثل مصطفی» براسـاس زندگی شـهید مصطفی صدرزاده و براسـاس فیلمنامه‌ای اقتباسی از کتاب «اسم تو مصطفاست» و به کارگردانی ابوالفضل همراه و تهیه‌کنندگی محمدعلی شجاعی‌فرد در انجمن سـینمای انقلاب و دفاع مقدس بنیـاد فرهنگی روایـت فتح تولید شـد. این فیلم کوتاه که براسـاس خاطرات همسر شـهید روایت می‌شود، برهه‌هایی از سیره عملی و زندگی شهید مصطفی صدرزاده برای مخاطب به تصویر کشیده شده‌اسـت. کتاب «اسم تو مصطفاسـت» محصول انتشـارات روایت فتح است که به تازگی از تقریظ مقام معظم رهبری بـر این کتاب رونمایی شـد. در این تقریظ، ایشان شخصیت این شـهید را دارای شاخصه‌های والایی چون صفا، اخلاص، ایثار، ترجیح رضای حضرت حق بر همه چیز و عشق به اهل‌بیت برشمردند و این نوشته را پخته و مبتکرانه توصیف کردند.

دیالوگ‌های طیب حاج‌رضایی در فیلم تازه بهروز افخمی

دیالوگ‌های طیب حاج‌رضایی و حاج اسماعیل رضایی را که در روزنامه نوشته شـده بود به صورت مستقیم در فیلمنامه آورده‌ام. البته برای نوشتن فیلمنامه از منابع و اسناد دیگر از جمله کتاب «طیب در گذر لوطی‌ها» استفاده و اقتباس کردم.

بهروز افخمی که ساخت فیلم «صبح اعدام» را به نیمه رسانده، معتقد اسـت اگر فیلمش خوب از آب دربیاید، معترضان واقعی را نشان می‌دهد.

کارگردان فیلم‌های «عروس»، «سن‌پطرزبورگ» و «فرزند صبح» این روزها مشغول ساخت جدیدترین فیلمش با نام «صبح اعدام» است که سوژه آن را از سال‌ها قبل در ذهن داشته و اگرچه قرار بود زمستان سال قبل آن را کلید بزند، اما فیلمبرداری‌اش به تابستان ۱۴۰۲ رسیده و شاید در جشنواره فیلم فجر امسال رونمایی شود.

افخمی با بیان اینکه تقریباً نیمی از فیلم را ساخته است از چگونگی شروع این پروژه سینمایی به ایسـنا گفت: حدود ۲۰ سال پیش، آرشیو روزنامه کیهان را بررسـی می‌کردم که به گزارش تیرباران طیـب حاج‌رضایی و حاج اسـماعیل رضایی برخـوردم. در واقع این گزارش شـماره‌ای از کیهان روز ۱۱ آبان سال ۱۳۴۲ بود. این گزارش خبری به قدری جذاب و مفصـل بود که برای خودم از آن کپی کردم و در کتابخانه‌ام گذاشتم. از همان زمان در ذهنم شکل گرفت که براسـاس این گزارش تیرباران می‌توانم فیلم سینمایی بسازم. همواره مشـتاق بودم خبرنگاری که این گزارش را نوشته پیدا کنم، اما هنوز در دفتر روزنامه کیهان نتوانسته‌ام فردی را بیابم که این خبرنگار را بشناسد. به هر حال این گزارش دو صفحه‌ای با امضای خبرنگاری است که متن را به‌گونه‌ای با دلبستگی و علاقه نسبت به اعدام‌شوندگان نوشته بود و چنین جبهه‌گیری در آن زمان بسیار عجیب بود. می‌توان اذعان کرد چون مصطفی مصباح‌زاده-بنیانگذار کیهان-به دنبال نشان دادن وجهه روشنفکری از خودش بود، این گزارش را چاپ کرده، اما شـخص خبرنـگاری که آن را نگاشته برای من بسیار اهمیت داشت.

وی با اشـاره به اینکه فیلمنامه «صبح اعدام» را براسـاس گزارش مطبوعاتی کیهان نوشـته اسـت، عنوان کرد: دیالوگ‌های طیب حاج‌رضایی و حاج اسماعیل رضایی را که در روزنامه نوشته شده بود به صورت مستقیم در فیلمنامه آوردم. البته برای نوشتن فیلمنامه از منابع و اسناد دیگر از جمله کتاب «طیب در گذر لوطی‌ها» استفاده و اقتباس کردم. کتاب «طیب در گذر لوطی‌ها»، مصاحبه‌های مختلفی با لوطی‌های تهرانی دارد که طیب را می‌شناختند و نثر آن تهرانی قدیمی است و برای نوشتن فیلمنامه برایم بسیار کارآمد بود.

افخمی افزود: طیب حاج‌رضایی تنها قهرمان این فیلم نیسـت و کاراکتر حاج اسماعیل رضایی هم قهرمان جوان‌تری است که در فیلم می‌بینیم. در واقع «صبح اعدام» بیوگرافی نیست، بلکه درباره کشتار ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و نتایج آن است.